



جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

مهندس مسعود هارون - مهدوی

سرمقاله

خشم و غضب انبیاء بر احمدی نژاد

در این چند روز اخیر اکثر خبرگزاری ها از ارسال نامه محمود احمدی نژاد رئیس جمهور حکومت اسلامی به جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا داد سخن داده و آنرا مورد تفسیر و بحث و گفتگو قرار داده اند.

امروز پس از انجام کارهایی که در مرکز شهر مونیخ باید انجام می دادم به طرف منزل که در خارج شهر قرار دارد حرکت کردم. در بین راه به رادیو ماشین گوش می دادم که گوینده اخبار ساعت ۱۹ از تماس مستقیم ایران بعد از ۲۷ سال با آمریکا سخن می گفت. از جمله به قسمت هایی از نامه احمدی نژاد که به جرج بوش نوشته بود، بخصوص در مورد نصایح نامبرده به رئیس جمهور آمریکا که بیاید راه و روش انبیاء و اجرای عدالت اجتماعی را چنان که حکومت جمهوری اسلامی به اجراء گذاشته پیش بگیرد، اشاره می کرد.

وقتی که به منزل رسیدم با توجه به اینکه روز بسیار پرکاری را پشت سر گذاشته و بی اندازه خسته بودم، بنا به بقیه در ص ۲

نیاز به ائتلاف بزرگ برای نجات ایران

در چند ماه اخیر که موضوع غنی سازی اورانیوم در ایران و برنامه هسته ای جمهوری اسلامی در سازمان بین المللی انرژی اتمی مورد بررسی قرار گرفته و منجر به طرح آن در شورای امنیت سازمان ملل گردیده است، از سوی شخصیت های سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان و نیز سازمان های سیاسی اپوزیسیون در داخل و خارج کشور تفسیرها و تحلیل های متفاوتی پیرامون آن و همچنین واکنش های احتمالی غرب به ویژه آمریکا ارائه داده اند که گاه در تضاد با یکدیگر قرار دارند.

ما هم در اینجا به بررسی این پرونده و چگونگی واکنش های احتمالی غرب و آمریکا می پردازیم.

۱- گروهی بر این باورند که عمر جمهوری اسلامی پایان یافته و به زودی اوضاع در ایران دگرگون می شود و پی آمدهای مثبت و منفی برای آن ارائه می دهند و چنانچه گروه سیاسی باشند سازمان خود را شایسته ترین جانشین جمهوری اسلامی معرفی می کنند.

۲- گروهی دیگر سقوط جمهوری اسلامی را بدون وجود ائتلافی بزرگ و گسترده میان سازمانهای سیاسی در درون و برون کشور ناممکن می پندارند.

۳- گروه سوم معتقدند که جمهوری اسلامی با امروز و فردا کردن و وقت گشتی در پذیرش پیشنهادهای سخاوتمندانه کشورهای اروپایی و پیچیده کردن گفت و گوهای سیاسی تنها در پی تأمین فرصت لازم برای رسیدن به آخرین مرحله غنی سازی اورانیوم و تولید بمب اتمی است.

در مقابل، کشورهای اروپایی و به ویژه آمریکا و نیز چین و روسیه هر یک با توجه به منافع درازمدت خویش، به شکلی خاص این پروژه را مورد بررسی قرار داده و سعی دارند که نظر خود را تحمیل نمایند.

بقیه در ص ۸

در این شماره می خوانید:

- نیاز به ائتلاف بزرگ برای نجات ایران (سرمقاله) مهندس هوشنگ کردستانی
- خشم و غضب انبیاء بر احمدی نژاد مهندس مسعود هارون - مهدوی
- گزارش ویژه زادروز مصدق حزب ملت ایران
- بیانیه هیأت اجرایی جبهه ملی «خارج کشور
- یاهو سرائی های شیوخ و سکوت مدعیان قدرت خسرو سیف
- تمرکز و عدم تمرکز (فدرالیسم) «بخش سوم» دکتر حسن کیانزاد
- سوم خرداد سالروز حماسه آفرینی فرزندان میهن حزب ملت ایران
- بیانیه دعوت از ایرانیان برای نجات ایران شعری از شادروان فریدون مشیری
- راهیان مهر

گزارش ویژه زادروز مصدق

پاینده ایران
ای آفریدگار پاک ترا پرستش می کنم
و از تو یاری می جویم.

آیین بزرگداشت یکصد و بیست و چهارمین زادروز رهبر نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق با حضور گروه ها و احزاب ملی در روز بیست و نهم اردیبهشت امسال در قلعه احمدآباد، قلعه ای که سالها در آن به حالت تبعید و زندانی بود و در آنجا به خاک سپرده شده است، برگزار گردید. نخستین گروهی که وارد قلعه احمد آباد شد هموندان و هواداران حزب ملت ایران بودند که با حلقه ای از گل که به شکل نشان حزب آراسته شده بود به زیارت مزار پیشوا شتافتند.

همچنین گروه جاما و جبهه ملی ایران و دیگر گروه ها با تاج هایی از گل وارد قلعه شدند و همگان پس از حضور در آرامگاه و ادای احترام به پیشوا جهت شرکت در این آیین در محوطه قلعه گرد هم آمدند.

این آیین در ساعت ده به وسیله آقای حسین سکاکی اعلام برنامه گردید.

نخست، آقای دکتر احمد علی رجایی محقق، مترجم و نویسنده و کوشنده قدیمی نهضت ملی ایران با استناد به اسناد موجود در مورد ملی شدن صنعت نفت و توطئه برای سقوط دولت ملی دکتر مصدق به طور مفصل سخن گفت: مصدق زنده بیدار واقعیتی ملموس بر اساس عشق به آزادی، آزادی برای خود و دیگران، عشق به عدالت برای خود و دیگران نعمت غریزی و مادر زادی نفرت بیزاری از زور گویی و زور شنوایی و نعمت برخورداری از قدرت مقاومت در برابر زورگویان و قلدردنشان و بالاخره نعمت برخورداری از نیروی پرهیز و اعراض از وسوسه قدرت و ثروت و نعمت برخورداری از عقل متوازن و متعادل و باز دارنده از افراط و تفریط و پندار در گفتار و در کردار، بیان اینکه چگونه سیاستهای دولت نهضت ملی به ایران و ایرانی منزلت و اتکا نفس بخشید.

نیرومندترین انگیزه و بالاترین اولویت در اجرای سیاست ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور بیش از آنکه اقتصادی باشد یک انگیزه سیاسی برای دستیابی به استقلال و حاکمیت ملی واقعی بود ...

سپس، شعری از شاد روان حبیب الله ذوالقدر در باره دکتر مصدق توسط مجری برنامه خوانده شد آنگاه دکتر علی رشیدی، اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره رقابت جهانی امپریالیسم انگلیس و آمریکا در زمینه نفت و چگونگی ملی کردن صنعت نفت در ایران سخن گفت که بخشی از آن چنین است: کشف نفت و بکار گیری آن به عنوان سوخت در نیروی دریایی انگلیس و شروع تسلط بر منابع نفتی جهان از سوی آن کشور موجب شد شصت در صد منابع نفتی دنیا به انحصار انگلیس در آید.

هجوم آمریکا به مناطق تحت تسلط انگلیس باعث گردید که آمریکا بیست و پنج درصد نفت عراق و بخشهایی از نفت کویت، بحرین و عربستان سعودی را به دست آورد و خواستار یک سوم نفت جنوب ایران و کسب امتیاز نفت شمال و شرق ایران شود که با مبارزات قهرمانانه ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، استعمار گران به زانو در آمدند و صنعت نفت در سراسر ایران ملی گردید.

پس از سخنان دکتر رشیدی آقای ضرغامی سروده خود را در مورد دکتر مصدق خواند. آنگاه آقای دکتر محمود مصدق رییس هیات امنای قلعه احمدآباد از حضور علاقه مندان و تمام گروه های سیاسی حاضر، سیاستگزاری و گزارشی از روند بازسازی و تعمیر ساختمان آرامگاه ارائه نمود.

روابط عمومی حزب ملت ایران

تهران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ خورشیدی

خشم و غضب انبیاء بر احمدی نژاد

بقیه از ص ۱

عادت همیشگی تلویزیون را روشن کرده و سعی کردم تا از طریق گیرنده ماهواره ای کانالی را که اخبار پخش می کند بگیرم. پس از عوض کردن چند کانال با فرستنده جام جم جمهوری اسلامی برخورد کردم. گوینده اخبار مشغول پخش قسمتهایی از همان نامه بود که گوینده رادیو مونیخ هم به آن اشاره می کرد. تنها با یک اختلاف که گوینده تلویزیون جمهوری اسلامی با غرور و حرارت بیشتری آنرا قرائت و تفسیر می کرد.

بیشتر محتوی نامه احمدی نژاد از چند جمله تشکیل شده بود که در حقیقت نقش اصلی را در میان بقیه مطالب بازی می کرد که مکرراً از آن استفاده و بر آن تأکید شده بود و گوینده اینچنین سخنان احمدی نژاد را بازگو می کرد که ما معتقدیم بازگشت به آئین انبیاء تنها راه سعادت و نجات است و نمی توان بر مشکلات امروز جهان فائق شد، مگر اطاعت از خداوند و آئین پیامبران. تنها از این طریق می توان صلح و دوستی و عدالت را گسترش داد. بیان این جملات چنان دلسوزانه بود که هر کس از ماهیت این رژیم و احمدی نژاد و شرکایش خبر نداشت تحت تأثیر قرار می گرفت و شیفته اش می شد. در صورتی که همه ما می دانیم سخنان و نوشته های اخیر احمدی نژاد عاری از حقیقت است. از خامنه ای گرفته تا رفسنجانی و خاتمی و دست پرورده آنان احمدی نژاد، عمل کردشان خلاف راه و روش انبیاء بوده و با در نظر گرفتن کارنامه ۲۷ ساله این حاکمان جمهوری اسلامی، باید گفت که کلمه محارب با خدا امروز در مورد این افراد صدق کرده و زیننده پیکرشان می باشد.

وقتی این مطالب را از دهان تبلیغاتچی تلویزیون جام جم جمهوری اسلامی می شنیدم از این همه وقاحت حیران مانده و با خود گفتم تا چه حد می توان دروغ گفت و نقش بازی کرد و با عوام فریبی مردم ساده اندیش و بی گناه را مورد سوءاستفاده قرار داده و با احساسات آنان بازی کرد.

ضمن احساس خستگی زیاد همانطور که به صفحه تلویزیون خیره شده بودم و سعی می کردم چشمان خواب آلوده ام را باز نگهدارم ناگهان بطور غیر مترقبه ای طوفان سهمگینی همراه با رعد و برق رخ داد. این دگرگونی منجر به یک تغییر و تحول بسیار وسیعی در فضای آسمانی انجامید، تمامی این حوادث در یک لحظه صورت گرفت که بی نهایت غیر قابل تصور بود. سرتاسر آسمان را شعله در بر گرفت و در پی آن بارانی سیل آسا که به رنگ خون بود شروع به باریدن کرد.

از میان رعد و برق که تمام آسمان را در بر گرفته بود چهره هایی نورانی که جلای طلائی داشت و انعکاس شراره های الوان از آن بصورت خیره کننده ای به اطراف پخش می شد، از درون بی انتهای آسمان نمایان و نمایانتر شدند، هر چه نزدیکتر می شدند چهره هایشان شفاف تر و آشنا تر بنظر می رسید. تا اینکه چهار شمایل از چهره های نورانی را کاملاً می شد تشخیص داد. اولین شمایل نورانی را که شناختم مربوط می شد به حضرت زرتشت، بعد از آن حضرت موسی و سپس حضرت عیسی مسیح و آخرین شمایل تعلق داشت به خاتم انبیاء حضرت محمد.

چهره های نورانی و ابهت آنان مرا وادار به اداء احترام کرده و ضمن برخاستن از جای خود با فرود آوردن سرم به طرف پایین عرض تعظیم نمودم.

بقیه در ص ۵

بیانیه هیأت اجرایی جبهه ملی «خراج کشور»

یاوه سرائی های شیوخ و سکوت مدعیان قدرت

هم میهنان،

سیاست نابخردانه و غیر مسئولانه سردمداران جمهوری اسلامی که به ناحق و بر خلاف خواست و اراده ملت، بر سرنوشت و کشور ما حاکم شده اند، ایران را با خطرهای عظیم و فزاینده ای مواجه ساخته و متأسفانه روز به روز ابعاد فاجعه گسترش می یابد.

گفتارهای غیرسیاسی و شعارگونه رئیس جمهور اسلامی پیرامون حذف اسرائیل از صفحه جغرافیای جهانی و پافشاری جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی که هر یک سعی می کنند افتخار دست یابی به جنگ افزار هسته ای را به خود نسبت دهند، این ذهنیت و تصور را برای سران کشور اسرائیل و نیز قدرتهای جهانی حامی و پشتیبان آن پدید آورده است که در صورت دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتمی موجودیت اسرائیل در خطر قرار خواهد گرفت، از این رو در برابر غنی سازی اورانیوم که می تواند مقدمه دست یابی جمهوری اسلامی به جنگ افزار هسته ای باشد بشدت موضع گرفته اند.

پافشاری سردمداران اسلامی در غنی سازی اورانیوم از سویی و ایستادگی قدرتهای جهانی در جلوگیری از هسته ای شدن ایران از سوی دیگر، بحرانی جهانی آفریده و سرزمین و ملت ما را با خطرهای عظیم و باورنکردنی و پیش بینی نشده روبرو ساخته است که از حمله نظامی غافل گیرانه تا تحریم های سخت اقتصادی و به ویژه جلوگیری از صدور نفت و گاز و نیز از حرکت های مسلحانه جدایی طلبانه می تواند بوده باشد.

حمله نظامی احتمالی و بمباران مراکز تهیه اورانیوم غنی شده و نیروگاههای برق اتمی که بی شک در همین حد باقی نخواهد ماند، افزون بر خسارتهای مالی سنگین با ویرانی، خرابی و کشتار مردم بی گناه نیز همراه خواهد بود.

تحریم های اقتصادی و نفت و گاز نیز بی تردید مردم ایران را با گرفتاریهای فزاینده روبرو می سازد و مشکلات آنها، به ویژه فقر، بیکاری، بی دارویی، گرانی و تورم را باز هم افزایش خواهد داد و در نبود یک اپوزیسیون منسجم متکی بر نیروی ملت، زیان آن بیشتر به مردم خواهد رسید تا به سردمداران نظام.

حمایت و پشتیبانی بیگانه از گروهک های مسلح که شعار تجزیه طلبی را در استانهای مرزی تبلیغ می کنند، افزون بر کشته شدن مردم بی گناه، به ویژه زنان و کودکان، می تواند شرایط اسفناکی را پدید آورد که حتی سال ها پس از برکناری نظام جمهوری اسلامی و استقرار نظام و دولت برگزیده ملت نیز کشور را دچار مخاطرات و ناامنی های متعدد می سازد.

هم میهنان آزادیخواه و میهن دوست،

تمامی شرایط دردناکی که حال و آینده کشور و ملت ما را تهدید می کند سردمداران نظامی پدید آورده اند و به گسترش آن دامن می زنند که نه خود برگزیده مردمنده و نه نظامشان مورد قبول و پذیرش مردم.

برای رهایی از فاجعه دردناکی که امروز و آینده ما را بشدت تهدید می کند یک راه بیش نیست و آن، برکناری نظام اسلامی است که تنها با اراده و نیروی مردم می تواند عملی گردد.

بیاییم به خاطر وطن و آینده فرزندانمان، حول آرمانهای ملی «تحقق آزادی و استقرار حاکمیت ملی» متشکل شویم و تردید نداشته باشیم در یک حرکت ملی سرنوشت ساز نیروهای نظامی و انتظامی و بسیجیان در کنار ملت خواهند بود.

حکومتی که قادر نیست در خاک خود از حیثیت و تاریخ خویش دفاع کند، مستحق هرگونه سرزنش از سوی مردم خویش است.

کاربدستان جمهوری اسلامی ایران برای پوشش دادن به کم و کاستی ها و فشار و نارسایی های روزافزون که بر مردم تحمیل نموده اند، مرتباً به ایجاد سر و صدای بدون محتوا که حاصل آن فرو بردن کشور در بحران می باشد، می پردازند در حالیکه می بینیم شیخ نشینان جنوب خلیج فارس که دچار فراموشی مزمن شده اند، بنحوی که گذشته خود را از یاد برده اند که چه کسانی بوده و چه کسانی هستند.

امروز در سایه دلارهای نفتی و حمایت اربابان خود تا آنجا پیش رفته اند که عظمت فرهنگی و علمی ایران زمین را نادیده گرفته و جعلیات خود را در مورد خلیج فارس تکرار می نمایند و با تأسف فراوان این گفتار در خاک ایران از سوی شیخک قطر و در برابر بالاترین مقام اجرایی کشور بدون اینکه حرمت میزبان را نگهدارد بیان می کند و این ناتوانی و ضعف حاکمیت است که یک شیخ اجازه چنین جسارتی را بخود می دهد تا خلیج فارس را با نام جعلی آن بیان نماید. حکام عرب از هر فرصتی برای بیان این نام جعلی سود جسته و اصولاً حساسیت آنها نسبت به این نام بر اساس تعصب بی پایه و اساسی است که در آنها وجود داشته و از هر موقعیت برای ابراز این عقده فروخته استفاده می کنند.

ملت ایران به این شیوخ از مردم خود بریده اعلام می کند اگر چه مسئولین حکومتی ما در این زمینه در طول سالهای تصاحب قدرت پاسخ و اقدام لازم را نداده اند ولی بدانند ملت بزرگ ایران پاسدار واقعی فرهنگ علمی و تاریخی این سرزمین بوده و به هیچ احدی از کوچک و بزرگ اجازه طرح این جعلیات را نخواهد داد و با تمام قدرت با این نوع حرکات مقابله خواهد نمود و پاسخ این شیوخ به موقع داده خواهد شد.

پاینده ایران

خسرو سیف

شامگاه چهارشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ خورشیدی - تهران

تمرکز و عدم تمرکز (فدرالیسم)

بخش سوم

گویند ... «عمده ترین و اصلی ترین شکل ستم ملی، عبارت از آنست که اراده و حق ملل برای تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و اجتماعی آنها نقض و پایمال گردد» (کار، شماره ۸-۸ خردادماه ۱۳۷۰)، ما بر این باوریم که حق تعیین سرنوشت حقی است کلی و عمومی، تجزیه و خدشه ناپذیر و مربوط به همه مردم ایران و در محدوده کل جغرافیایی میهن ما، بر این اساس این حق، یعنی «بیان اراده آزاد مردم ایران» برای همه قومیت های ایرانی و در سراسر ایران زمین یکسان نبوده و نمی توان برای مردم بخشی از کشور ایران، امتیاز و یا برتری ویژه ای قایل شد.

در این رابطه منصفانه نیست آن کسانی را که بر «حفظ تمامیت ارضی کشور» و یکپارچگی میهن ایرانیان تکیه دارند، متهم به گرایشات برتری طلبانه ناسیونالیستی و یا شوونیستی کرده و از «مقابله با معضل ملی بر پایه دیدگاههای شوونیستی و مطلق کردن تمامیت ارضی تا یک اصل مقدس با تکیه بر تاریخ و یا همپیوندی های تباری و قومی» سخن بگویند. مشکل و گرفتاری اساسی این هم میهنان و دیگر هم اندیشان این است که، در تحلیل و بررسی های خود، با وجود تغییر و تحولاتی که در سالهای گذشته بویژه در بلوک شرق بوقوع پیوسته و بسیاری از بنیادهای ایدئولوژیک و طرح و برنامه های هژمون را دگرگون ساخته است، هنوز هم این آمادگی روانی را در خود نیافته اند، که خود آزادانه دست از راه حل هایی که در تناقض با استقلال و حاکمیت ملی ما قرار دارند، بردارند. اشتباه بزرگ دیگر اینان در این است که، بافت و ترکیب ملی موجودیت مردم ایران را با جمهوری های بالتیک و مناطق اشغالی فلسطین و دیگر مللی که اکنون در پی استقلال و آزادی سرزمین های خود می باشند، مقایسه می کنند. ملت های لیتوانی، استونی و لتونی در درازای تاریخ حیات خود هیچگونه پیوند نژادی و فرهنگی و زبانی با روسها نداشته اند. پس از جنگ های شمالی (۱۷۲۱-۱۷۰۰) هر سه کشور توسط پتر کبیر ضمیمه روسیه گردیدند ولی در طی بیش از ۲۰۰ سال سلطه بیگانه، هیچگاه خواست و آرمان ملت خویش را به آزادی و استقلال میهن خود فراموش نکردند و بار دیگر پس از پایان جنگ بین الملل اول از رویداد انقلاب اکتبر استفاده برده و استقلال خود را بترتیب: لیتوانی در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۱۸، لتونی در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸، استونی در ۲۴ فوریه ۱۹۱۸ اعلام داشته و باز یافتند.

اما دوره این پیروزی و آزادی و استقلال این سه کشور، بیش از دو دهه به درازا نپایید. زیرا که در تاریخ ۲۳ آگوست ۱۹۳۸ نیروهای مهاجم ارتش سرخ بر اساس پیمان شیطان هیتلر و استالین به این سه کشور یورش برده و به اشغال دوباره خود درآوردند. بر مبنای همین قرارداد بی شرمانه، نیروهای ارتش نازی مناطق مرکزی و غربی لهستان و شوروی شرق لهستان را به اشغال نظامی خود درآوردند. مشت نمونه خروار است. به تاریخ میهن خود بنگریم: بر طبق قراردادهای ننگین ترکمن چای و گلستان، بسیاری از سرزمین های ایرانی ضمیمه روسیه تزاری گشت و پس از سرنگونی تزارها، انقلابیون بلشویک حاضر نشدند آن سرزمین ها را به صاحبان اصلی اش بازگردانند.

ادامه دارد

ما هر چه می خواهیم در چارچوب ایران و در داخل ایران می خواهیم. زیرا برای ما تجزیه ایران لااقل به اندازه مرگ وحشتناک و بیش از آن نکبت آور است. ما بیش از هر چیز ایران مستقل و آزاد و آبادی را می خواهیم که در آن همه اقوام ایرانی سعادت مند و در رفاه و آسایش باشند، همه برادر و برابر باشند، حق هیچکدام پایمال نشود، ویژگی های همه اقوام عزیز و محترم شمرده شود و بزور چیزی تحمل نگردد. زبان رسمی ما از قرن ها پیش فارسی است. همه مردم ایران آن را دوست دارند و بطور طبیعی نه بزور، حتی قبل از آن که در قانون اساسی هم تصریح شود، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و ملی ایران پذیرفته شده و همه ایرانیان در اشاعه و فراگیری و غنای آن کوشیده و می کوشند.

این درک و برداشت هم میهنان کرد و آذری و دیگر تیره های ایرانی در انطباق با شواهد و اسناد تاریخی شاید بتوانند بر آن ذهنیات ناصواب و ناگوار ب. لاورین و سامان نجف ز زاده و هیمن و دیگر اندیشان آنها، کمی اثر بگذارد و تعدیلی در بینش تندگرایانه آنها بودجود آورد. اما از ب. لاورین و دیگر هم میهنان گردمان که خود با چیرگی بر زبان فارسی، به این شیوایی می نگارند و فارسی را بمانند زبان کردی خیلی خوب سخن می گویند نمی توان انتظار داشت که بگویند زبان فارسی را با زور و بدون علاقه و تمایل شخصی فراگرفته اند. چنین عذری را هیچکس از آنها پذیرا نخواهد شد.

با این بررسی و تحلیل بر اساس داده ها و یافته های فرهنگی و تاریخی و ملی، دیگر نمی توانیم از زبان مشترک مردم ایران یعنی فارسی که همه تیره های تبار ایرانی، در یوبایی و شکوفایی و گستره فرهنگی آن سهم مساوی و مشترک داشته اند، بعنوان یک وسیله و یا ابزار سرکوب «ملت فارس» سخن بمیان آوریم و در برخوردهای جدی و سیاسی مان با طرح حربه های زشت و توهین آمیز تبلیغاتی گذشته های دیرین، چونان «شوونیسم فارس» به تحریک احساسات ستیزآمیز بر ضد یکدیگر دست یازیم.

«ستم ملی» در درازای فراز و نشیب های تاریخ زندگی ملت ایران، چه در هنگام ناتوانی و جدایی ها و تجزیه و پراکندگی های ملی که بیگانگان را بر میهن ما مسلط ساخت و چه در دوران حکومت های سرکوبگر و دیکتاتور، در گذشته و حال وجود داشت و هنوز هم ادامه دارد. اما این ستم ملی و دیگر دردهای ملی ما، تنها محدود به یک قومیت نمی گردد و خردمندانه نیست که ما کوله بارهای خوبیها و بدیها، غم ها و شادی هایی را که مردم این سرزمین در کنار یکدیگر و با هم در درازای سده های تاریخ بدوش کشیده اند، از یکدیگر متمایز سازیم و به اغراق از هزاران رسم و عادت «ملل تحت سلطه ایران» که نابود گشته اند، نام بریم. اگر از ستم ملی، این برداشت آقای سامان نجف زاده رامورد توجه قرار دهیم که می

ای آفریدگار پاک

ترا می پرستم و از تو یاری می جویم

سوم خرداد سالروز حماسه آفرینی فرزندان میهن

ملت ایران در پاسداری از میهن خود بیدار است و علی رغم تمام نابسامانی ها و ناستودگی ها و علی رغم مقاومت در برابر یکه تازی انحصارگران حاکم نه آن یک بار، همه گاه آماده دفاع از خاک و خون و استقلال خود بر پایه آرمانهای ملت گرایانه ایرانی است. (خسرو سیف)

تاریخ به ما می آموزد که راز ماندگاری یک ملت در نگهداری پیوندهایی است که در جریان زمان و زندگی درازمدت آن پدید آمده است؛ پیوندهایی که حیات بالنده ملت را پاسداری می کند و خود نیز به گونه ای متقابل از حرکت زندگی بخش ملت، توانایی و قدرت روزافزون می یابد. این پیوندها با همدلی، دوستی و عشق بقیه در ص ۶

خشم و غضب انبیاء بر احمدی نژاد

خشم و غضب در قیافه و نگاه انبیاء کاملاً مشهود و گویای رنجیدگی آنان نسبت به پیروان ناخلفشان بود. با فرمانی که پیغمبران صادر کردند فوراً احمدی نژاد و بقیه سردمداران حکومت جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا رفسنجانی و خاتمی با ترس و لرز حاضر شدند و در حضورشان بخاک افتادند.

حضرت زرتشت که انگشت حیرت به دهان گرفته بود رویش را به احمدی نژاد کرد و فرمود: مگر ما بارها نگفتیم که پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را در مد نظر گرفته و پیشه خود سازید؟ چرا باید با افکار پلید و گفتاری که سراسر دروغ و تزویر درش نهفته است همراه با رفتار غیرانسانی که دور از کردار نیک است مردم ایران را به فلاکت و بدبختی کشیده و در سرتاسر جهان ناامنی بوجود آورید؟

از همه بدتر اینکه شما به خودتان اجازه داده اید که چنین اعمال غیرانسانی را به ما نسبت داده و به دیگران اینطور تفهیم می کنید که این نحوه عمل همان راه و روش انبیاء می باشد و خواسته اید که راه و روش ناشایسته شما را که سراسر اشتباه و خلاف شئون انسانی و پیامهای ما می باشد دنبال کنند.

در این ضمن حضرت موسی در حالی که عصایش را با دست راست بلند کرده بود با صورتی برافروخته و خشمگین خطاب به احمدی نژاد و دارودسته اش که از وحشت، ترس و لرزه بر اندامشان افتاده بود چنین فرمودند:

ای بندگان ناخلف پروردگار، مگر شما فراموش کرده اید که کورش پادشاه ایران زمین بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، با ارائه منشور حقوق بشر و نجات پیروان ما از اسارت بابل، چنان نقشی در تاریخ ایفا کرد که قوم یهود هنوز که هنوز است خود را مدیون آن پادشاه بزرگ می دانند.

حال شما بر عکس گذشتگان خود، بخودتان اجازه داده اید که برخلاف خواست ما پیامبران و اکثریت ملت ایران با پیروان ما و دیگر اقلیت های مذهبی چنین رفتار غیرانسانی و دور از منشور حقوق بشر داشته باشید.

شما از خدا بی خبران، سالیان دراز است که با اعمال ارتجاعی



و استبدادی خود زندگی را بر مردم ایران تنگ کرده و از همه مضحک تر اینکه اینچنین رفتار غیرالهی را راه و روش انبیاء قلمداد می کنید. در این لحظه حضرت موسی که بیش از حد از احمدی نژاد و دارو دسته اش عصبانی بود، در یک لحظه با بردن عصایش بطرف بالا قصد کوبیدن بر فرق او را کرد که حضرت عیسی مسیح با دست خود مانع شد و رشته کلام را بدست گرفت و به احمدی نژاد و دیگران فرمود: شما خودتان را پیرو برادرم حضرت محمد می دانید. چطور جرئت می کنید که در زندگی خصوصی گروهی از پیروان ما که شامل ارمنه می شود، دخالت کرده و نسبت به طرز لباس پوشیدن و آرایش و خورد و خوراک آنان تعیین تکلیف نمایید و آنان را تحت فشار قرار می دهید و در آخر هم مدعی هستید که از راه و روش ما پیروی می کنید.

در این لحظه بود که حضرت محمد طاقتش لبریز شد و دیگر جائز ندید که سکوت کند، لذا با تمام قدرتی که در دستهایش بود قرآن مجید را بر فرق احمدی نژاد که در حال سجده کردن بود کوبید و با فریادی که از سینه اش بر می خواست فرمود: شما بی خردان چطور به خودتان اجازه داده اید که اعمال زشتی مثل شلاق زدن، سنگسار، قطع دست و پا، در آوردن چشم و اعدام انسانها را که خلاف خواست پروردگار و معتقدات همه ادیان است، به نام اسلام انجام داده و به ما نسبت می دهید که باعث شرمساری ما در مقابل دیگر پیغمبران شده است و به این زودبها نمی توان آن را جبران کرد. بهمین خاطر شما را نخواهیم بخشید و مطمئن هستیم که مورد غضب پروردگار قرار خواهید گرفت.

بعد از اتمام محاکمه این گروه متجاوز که در رأس آنان خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد قرار داشتند، پیامبران ایزد یکتا یکصدا چنین به سخنانشان ادامه دادند:

با توجه به سخنان و حرکات دور از منطق و تعادل شما سران حکومت جمهوری اسلامی و دیگر هم مسلکانتان که در این چند دهه اخیر بخصوص این اواخر با توسل به سوءاستفاده از نام و شهرت ما انبیاء که هدف از آن خام کردن و به گمراهی کشانیدن مردم بی گناه بوده است، الزاماً ما پیامبران بخاطر خوشبختی انسانهای روی زمین تمامی شما موجودات مضر و غیرطبیعی را طرد و از صحنه روزگار محو خواهیم ساخت، تا بار دیگر همه مخلوقات کره زمین از شر چنین موجودات ناخلف خلاص شده و بدور از هر نوع خصومت در کنار هم به زندگی خود ادامه بدهند، تا بتوانند در فضایی آزاد و صلح آمیز زیباتر نقش آفرینی نمایند.

پیامبران بعد از ابراز پیامشان بطرف آسمان به پرواز در آمده و مردم روی زمین از فرط خوشحالی با فریاد بلند که توام با شادی بود، آنان را مورد ستایش قرار داده و سپاس خود را بدرقه راهشان کردند.

در این موقع بود که ناگهان از خواب پریده و به اطراف خود نگاه انداختم، متوجه تلویزیون شدم که تصویر کانال جام جم جمهوری اسلامی محو و دیگر قابل رؤیت نبود. تنها از آن صدای پارازیت بگوش می رسید. به احتمال قوی همین صدای گوش خراش بود که موجب شد از خواب بیدار شوم.

صحنه هایی که در خواب دیده بودم هنوز در جلوی چشمانم بود و صدای پیامبران در گوشهایم طنین داشت. با خودم گفتم همانطور که تاکنون خیلی از خواب هایی که دیده بودم تعبیر شده، شاید این رؤیا هم بزودی به حقیقت پیوسته و آرزوهای دیرینه اکثریت مردم ایران زمین برآورده شود. *

اما موتور جنگی امپریالیستی و خواست های حقیر دست نشانندگان قدرت های سلطه گر در منطقه با دست از جان شستن میلیون ها ایرانی دوشادوش نیروهای مسلح و دیگر نیروهای مردمی متلاشی شد و نوکرا نشان دار آنان در مضاک دیگر خلیفگان تازی بغداد خزید و آنگاه که بی مصرف شد سرنوشتی چونان دیگر دست نشانندگان یافت.

حماسه هایی که سلاحداران ایران، در جریان جنگ سرنوشت ساز پدید آوردند بدون شک در تاریخ جنگ های جهان بی مانند است و پرچم هایی که بر مرز شهیدان کشور ما برافراشته است بیان کننده این واقعیت است. اگر چه آثار جنگ خانمانسوز، سالها بر پیکر ملت و میهن ما خواهد ماند اما دفاع همه جانبه ملت، یک بار دیگر ثابت کرد ایرانیان در هر شرایطی از استقلال ایران و حفظ تمامیت ارضی میهن دفاع خواهند نمود.

رانندن نوکران بیگانه از خرمشهر و بازپس گیری آن، از حماسه هایی است که فرزندان رشید، آگاه و از جان گذشته ایران آفریدند تا ایران زنده بماند و چه باک که در این راه جان شیرین خود را فدای ابدیت ایران کنند. درود بر همه شهیدان راه سرفرازی ایران. درود بر حماسه خرمشهر.

سوم خرداد ماه ۶۱ از روزهای سرنوشت سازی است که پهلوانان میهن، این هم تباران آرش کمانگیر، در تاریخ ایران به ثبت رساندند که تا دنیا بر جاست، نشانه عشق به میهن، در خرمشهر و جای جای ایران چونان خورشیدی فرا راه کوشندگان استقلال و آزادی ایران و همه ملت های آزادبخش و استقلال طلب جهان خواهد درخشید.

ملت ما در جریان دفاع از میهن آموخت که باید همه گاه هوشیار باشد و با تکیه بر آگاهی و توان بی انتهای خود هر ترفند ضد ایرانی را خنثی کند و وحدت ملی را پاس دارد و با اندوختن دانش و بکار گرفتن آن در جهت پیشرفت و توسعه ملی، زندگی سرفراز را برای مردم این مرز و بوم فراهم سازد؛ اگر چه در این راه موانع بسیار باشد.

بدون شک هرگونه یورش به هر بخشی از ایران به هر دلیل و از سوی هر قدرتی با پاسخ توفنده و یکپارچه ملت ایران رو به رو خواهد گردید و ایرانیان در دفاع از میهن خود از هیچ سبزه گری نخواهند هراسید.

حزب ملت ایران، سنگر میهن پرستان، سوم خرداد سالروز حماسه آفرینی فرزندان دلیران در دفاع از میهن و در روبرویی با بعثیون جنایت پیشه عراق را گرامی می دارد و بر تمامی آن حماسه آفرینان از صمیم قلب شادباش می گوید و بر روان تابناک تمامی شهیدان میهن درود می فرستد و از دست اندرکاران حکومت می خواهد از دیپلماسی واکنشی و ترس خورده که بوی حاتم بخشی از آن به مشام می رسد دست بردارد و عملکرد خود را به صورت شفاف گزارش نماید.

حزب ملت ایران یک بار دیگر اعلام می دارد راه برون رفت کشور از بن بست های پیش رو پایان بخشیدن به شیوه های ضد مردمی تمامیت خواهان و بازپس دادن تمام حقوق ملت به ملت است.

درود بر شهیدان و جانبازان دفاع بزرگ میهنی

پرتوان باد بازوان نگهبانان راستین مرزهای ایران

برقرار باد سامان مردم سالاری، خواست ملی ایرانیان

رهایی زندانیان سیاسی یک خواست همگانی است

پیروز باد ملت ایران

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران - سوم خردادماه ۱۳۸۵ خورشیدی

سوم خرداد سالروز حماسه آفرینی فرزندان میهن بقیه از ۵

مردم به یکدیگر پالایش می یابد و در هنگامه های بودن یا نبودن شادی یا غم و هستی یا نیستی موجب آفرینش صحنه هایی خواهد شد که متفاوت از دیگر صحنه های زندگی روزمره و عادی یک ملت است و آنگاه که به اوج می رسد معنای فداکاری و از خودگذشتگی می گیرد. از خود گذشتن و حتی از جان خود گذشتن، تا دیگران و نسل های آینده در شرایطی بهتر زندگی کنند و به دور از تحمل درد و رنج و ظلم که خود زاییده استبداد و استعمار است آینده خود را بسازند. آن که خود را به دور از هرگونه چشم داشت و گمنام در این مسیر قرار می دهد انگیزه ای فراتر از دیگران دارد؛ او به مرحله ای از عشق رسیده است که هرگونه نیاز را فراموش کرده است. از آن گروه ملت هایی که دارای پیشینه بیشتری هستند، ایران وضعیتی ویژه یافته است و این امر با مطالعه در تاریخ پرهنگامه و پرفراز و نشیب ایران آشکارتر می شود.

راز ماندگاری ایران، در پیوند ملت با میهن نهفته است؛ ملت ایران به میهن خود عشق می ورزد و در این راه هر مانعی را از پیش پای خود برداشته و با تمام نیرو در برابر هر بیگانه متجاوز ایستاده و یکپارچگی ملی و سرزمینی خود را حفظ کرده است و آنگاه که به سبب ادامه زورگویی بیگانه این یکپارچگی آسیب دیده است، با حفظ پیوندهای فرهنگی در گستره ایران فرهنگی، به امید دست یابی به روزگاری که در آن آثاری از پراکندگی و جدایی نباشد، تلاش کرده است و خواهد کرد تا یکپارچگی خود را باز یابد.

یورش بیگانگان به این سرزمین، در گذر زمان هیچگاه بی پاسخ نمانده است؛ آنگاه که میهن ما از هر طرف مورد هجوم واقع می شد و استقلال و شرف و حیثیت ما در خطر قرار می گرفت، همه اقوام بانسند در سراسر ایران دست در دست یکدیگر و به دور از هرگونه اختلاف به دفاع بر می خاستند و دشمنان را ناکام می گذاشتند تا حیات ملی آسیب نبیند و سامان یکپارچگی از هم نگسلد.

در دوران استعمار و به ویژه در دو قرن اخیر، ملت ایران مواجه با شیوه های جدید بیگانگان برای دست اندازی به سرزمین ایران و منافع و مصالح ملی ایرانیان گردید که بی لیاقتی حاکمان و سرسپردگی آنان به بیگانه موجب تسهیل این روند می شد. واکنش ملت در برابر این جریان جدید نخست همراه با بهت و حیرت و آنگاه با عزم راسخ برای پاسخ دندان شکن به این حمله ها بود. انقلاب مشروطه که برخاسته از نهضت استقلال طلبی و آزادیخواهی بود و نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق که کامل کننده آن انقلاب بشمار می رود و انقلاب ۲۲ بهمن همه در جهت دستیابی به آزادی و طرد و نفی هرگونه دست اندازی بیگانگان به این میهن مقدس می باشد که نشان می دهد ملت ایران ملتی است زنده که از حیات خود به دفاع بر می خیزد.

تحریک رژیم بیگانه ساخته بعثی و مسلح کردن آن برای حمله به ایران را باید ادامه روند پیشین دشمنان ملت ایران به حساب آورد که هنوز هم در پی آسیب رساندن به میهن و ملت ما و اجرای نقشه های شوم خود هستند. تخریب شهرها و روستاها و شهید و مجروح و آواره کردن میلیون ها تن از مردم کشور ما از بی آمدهای این یورش ناجوانمردانه است که امپریالیسم توسط دست نشانندگان خود در منطقه انجام داد. علی رغم تمام ندانم کاری های اداره کنندگان جنگ دفاع همه جانبه ملت ایران از پیر و جوان، زن و مرد، از هر بخش از این سرزمین مقدس، چنان کوبنده و پرخروش بود که در تاریخ ایران و جهان، کم سابقه بشمار می آید. یورشگران در این خیال بودند که در اندک زمانی خواهند توانست ایران را تجزیه کنند و در پی آن بی هیچ گونه مزاحمتی و برای همیشه به غارت منابع میهن ما مشغول شوند. آنان که یکبار در جریان نهضت ملی ایران که منجر به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور شده بود، تحقیر شده بودند، می خواستند با شعله و ساختن آتش جنگ و انهدام استقلال ایران، برای همیشه بساط امپریالیستی خود را در این سرزمین بگسترانند.

بیانیه

دعوت از ایرانیان برای نجات ایران

این بیانیه با امضاء بیش از ۱۷۰ نفر و شرکت ۳۴ سازمان مختلف سیاسی ایرانی مورد پشتیبانی قرار گرفته است.

هموطنان گرامی

میهن ما ایران، در معرض تجزیه و نابودی قرار گرفته است. در دوران سیاه ۲۷ ساله رژیم آخوندی، شکنجه و قتل سازمان یافته، در بند کشیدن انسان های بی گناه، هتک حیثیت و شرف انسانی شهروندان به ویژه زنان، نقض کامل، آشکار و مداوم حقوق بشر، سرکوب بی رحمانه هرگونه جنبش حق طلبانه حتی جنبش های صنفی، ترویج فحشا و اعتیاد به مواد مخدر، تضييع حقوق حقه معلولين کشور، بیکاری بی سابقه، ایجاد و گسترش فقر عمومی، تنزل هرروزه قدرت خرید پول، جنگ انداختن مافیای خانوادگی به کل اقتصاد کشور و غارت و چپاول سرمایه های ملی، تعطیل احزاب و توقیف روزنامه ها و مجلات و نویسندگان به سبب کوچکترین انتقاد از رهبر و اصل بی پایه ولایت فقیه، ترورهای آشکار و پنهان مخالفان در داخل و خارج کشور و ترویج و اشاعه تروریسم بین المللی، جایگزین وعده های قلبی و دروغین مسئولان جمهوری اسلامی شده است. در این دوران اختناق و ستمگری گسترده، رژیم استبدادی، واپسگرا و سرکوبگر ولایت فقیه، جز ویران سازی نهادهای ملی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اتلاف منابع مادی و معنوی کشور و سلب آزادی های اولیه انسانی بازدهی برای ملت نداشته است و غیر از گروهی اندک از وابستگان به رژیم و کارگزاران حکومتی، اکثریت فریب به اتفاق مردم در تنگناهای عظیم مادی، رفاهی، سیاسی و اجتماعی گرفتارند. در این ۲۷ سال حتی یکبار انتخابات آزاد، سالم و غیر فرمایشی انجام نگرفته است.

کوشش و اصرار پیگیر نظام در زمینه جایگزین کردن «امت» بجای «ملت» و دشمنی کینه توزانه با سنن ملی و باستانی ایرانیان و تبلیغ و سازماندهی «جهاد» با هدف برقراری یک امپراطوری خیالی اسلامی در سراسر جهان، شستشوی مغزی نوجوانان و تشکیل گروه انتحاری، همگام با سیاست های جاهلانه داخلی و ترویج خرافات و اتخاذ سیاست های نامتعارف و نامعقول بین المللی و پافشاری در ادامه سیاست نابخردانه تسلیحاتی و تغذیه مالی و معنوی تروریسم بین المللی، سالیانه کشورمان ایران را به انزوا کشانده و اکنون نیز رویارویی مستقیم کارگزاران رژیم با جامعه بین المللی، کشور را در معرض تهدید نظامی و تجزیه قرار داده است.

هموطنان، هر چند نجات ایران از خطر نابودی و استقرار یک نظام مردم سالار و دموکرات در میهنمان در نهایت با همت و قیام مبارزین درون مرزی به ویژه نیروی جوان تحقق خواهد یافت، ولی «پوزیسیون» برون مرزی است که از راه متحد ساختن نیروهای مبارز با باورهای سیاسی گوناگون قادر است و باید تبلیغات، عملیات و امور لجبستیگی این مبارزه عظیم و حیاتی را سازماندهی و هدایت کند و در سطح جهانی «صدائی واحد» و «نیروئی کارساز» به وجود آورد.

ما امضا کنندگان این بیانیه بر این اعتقادیم که:

۱- پیروزی کامل بر حکومت چهل و جنون و نظام قرون وسطائی ولایت فقیه در گروهی همبستگی نیروهای مبارز و «اتحاد در عمل» است.

۲- جمهوری اسلامی به هیچوجه از درون اصلاح پذیر نیست و تنها راه نجات ایران، بنا بر خواست و اراده ملت ایران، براندازی این رژیم ساختگی، ابداعی و غیر ایرانی است.

۳- پرچم سه رنگ شیروخورشید نشان، مظهر اتحاد و همبستگی ملی ایرانیان است.

۴- همان گونه که در دو دهه اخیر بسیاری از رژیم های دیکتاتوری و فاشیستی جهان با اراده پیگیر مردم ساقط شدند، مردم آزادخواه ایران نیز قادرند با اراده راسخ و اتحاد و

همبستگی ملی و با اتکا بر منابع خویش و بدون دریافت کمک مالی از هیچ دولت خارجی، حکومت غاصب استبدادی، مافیائی، فاشیستی و قرون وسطائی جمهوری اسلامی را ساقط سازند.

۵- هدف نهائی فعالیت های مبارزاتی و ایجاد تشکیلات سیاسی لازم، ساقط کردن جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام دموکرات و مردم سالار است که بوسیله رأی مستقیم و بدون واسطه مردم در یک همه پرسی آزاد تعیین خواهد شد.

چون هدف «اتحاد عمل» است، نه اتحاد ایدئولوژیک، ما امضاکنندگان این بیانیه، از تمام سازمانها و گروه ها و منفردین سیاسی ایرانی که باورهای یاد شده مورد تأیید آنهاست، دعوت می کنیم که ضمن حفظ استقلال سازمانی و اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک خود، با پذیرفتن «اصول و مبانی مشترک» زیر، از راه تشکیل «کنگره همبستگی ایرانیان» برای ساقط ساختن رژیم جمهوری اسلامی و ولایت فقیه با هم متحد شوند:

• جدایی دین از حکومت و دولت

• رعایت کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های پیوسته آن

• برقراری دموکراسی و یک نظام مردم سالار در کشور، با تفکیک قوای سه گانه مملکتی. نوع نظام را مردم ایران پس از ساقط ساختن رژیم در یک همه پرسی آزاد و مستقیم تعیین خواهد کرد.

• حفظ استقلال و یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران ضمن دادن اختیارات به شهرها، شهرستانها و استانهای کشور برای اداره امور محلی و منطقه ای

«کنگره همبستگی ایرانیان» که با مشارکت بخش بزرگی از احزاب، سازمانها، گروه ها و منفردین سیاسی تشکیل خواهد شد، از طریق سازماندهی تشکیلات و انجام عملیات لازم و تأمین منابع مورد نیاز «مبارزه عملی» برای نجات ایران را آغاز خواهد کرد.

در آستانه تشکیل «کنگره همبستگی ایرانیان» از دولتها و پارلمانهای کشورهای مؤثر جهان و سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان مصرا نه می خواهیم که منافع حیاتی و صد در صد مشروع ملت ایران را فدای سازشهای احتمالی با رژیمی که مطلقاً نماینده ملت ایران نیست و فاقد هرگونه مشروعیت است نسازند و سرنوشت فرزندان ایران را دستخوش منافع خویش قرار ندهند و معامله و ممانعت با این رژیم خودکامه و تروریست پرور را به قیمت نادیده گرفتن حقوق حقه و انسانی ملت ایران، ادامه ندهند و با پشتیبانی معنوی و سیاسی خود بگذارند آزادخواهان به ویژه نسل جوانی که ستایش انگیزترین آمادگی را در راه مبارزه با نیروی جهل و واپسگرانی، دروغ و خرافات، سرکوبی و اختناق، خشونت و تروریسم دولتی نشان داده است، پیکار مقدس خود را تا استقرار دموکراسی در ایران، دنبال کند و از این راه کمک مؤثری به تأمین صلح و ثبات منطقه و جهان بشود.

کنگره همبستگی ایرانیان برای تحقق «اتحاد در عمل» کار خود را از آغاز باید بر پایه مشارکت کلیه مبارزان معتقد به اصول و مبانی مشترک استوار سازد. از این رو از همه سازمانها و گروه ها و منفردین سیاسی که با متن این بیانیه توافق کامل دارند، تقاضا و دعوت می شود برای کمک در تشکیل «کمیته تدارک کنگره» و تنظیم برنامه کار با فاکس شماره ۹۲۹۳-۳۴۲ (۶۵۰) یا پست الکترونیکی congress@iraniansolidarity.com تماس حاصل فرمایند تا پس از رسیدگی به درخواست ها و با توجه به امکانات ترتیب همکاری و مشارکت آنها در این کمیته و در برگزاری کنگره داده شود.

کنگره همبستگی ایرانیان در روزهای ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ در شهر واشنگتن برگزار می شود.

پاینده ایران - پیروز ملت ایران.

بیکاری بزرگترین عامل فساد و ناامیدی جوانان است

از شادروان فریدون مشیری

نیاز به ائتلاف بزرگ برای نجات ایران ... بقیه از ص ۱

راهیان مهر

گوینده ای ظریف، بشردوست، پیش از این دریافت است: کز چه بشر را دو دست هست، - «دستی، برای آنکه برآرد نیاز خویش دستی برای آن که بگیرد ز خلق دست!»

*

این گونه مهرورزی و پندار نیک و عشق جز در میان مردم ما تا به این زمان هرگز به هیچ شهر و دیاری نبوده است.

*

اندیشه محبت و خدمت به دیگران نقش و نگار بافته با تار و پود ماست آئین خیرخواهی و باری و مردمی با خون ما سرشته روان در وجود ماست.

*

پروردگان مکتب مهر و محبتیم ما راهیان عشق و «خواخواه خدمتیم» بانگ بلند شعر «بنی آدم» «اعضای یک پیکرند»

آوای مهر سعدی ست. وز این دیار، بال به عالم گشوده است، این راه و رسم مردم این ملک بوده است.

*

هر روز بامداد که همراه آفتاب نور و نشاط و شور و سرور و نوید هست آن دم که دستهای تو در کار زندگی سرشار از تلاش و توان و امید هست

*

با خویشتن بگوی: دستی برای آن که بر آرم نیاز خویش دستی برای آن که بگیرم ز خلق، دست

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند. راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر هیأت تحریریه

مهندس هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

ایالات متحده آمریکا که خود در استقرار جمهوری اسلامی نقش عمده داشته با مجهز شدن ایران به سلاح اتمی بطور مطلق مخالف است و هر گونه تغییر و تحول و مذاکره را بدون انصراف جمهوری اسلامی از برنامه هسته ای پذیرا نیست و چنانچه جمهوری اسلامی به روند غنی سازی اورانیوم ادامه دهد به احتمال زیاد امکان دارد که با موافقت یا بدون موافقت شورای امنیت اقدام به حمله نظامی و نابود کردن مراکز و تأسیسات اتمی ایران کند.

کشورهای اروپایی گر چه با حمله نظامی به ایران با آمریکا هم عقیده و همراه نیستند و به ملاحظه منافع بلندمدت خود با دگرگونی آرام در ایران موافقت دارند و با ارائه پیشنهادهای سخاوتمندانه سعی در حفظ و بقای جمهوری اسلامی دارند، در عین حال در صورت عدم پذیرش این پیشنهادهای، در مقابل اقدامات آمریکا، چاره ای جز سکوت ندارند.

اما چین و روسیه هر یک به نوعی می کوشند تا همان نقشی را که آمریکا در دوران رژیم گذشته داشت، برای خود به وجود آورند و از ذخائر وسیع نفت، گاز و اورانیوم و بازارهای مصرف فراورده های خود برخوردار شوند. روسیه نیز در پس هموار کردن راه رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس است.

با توجه به مطالب گفته شده به این نتیجه می توان رسید که احتمال سرنگونی رژیم از طریق حمله نظامی آمریکا بعید نبوده و محتمل است، به ویژه با گفته اخیر رئیس جمهور اسلامی در بوشهر که ایران چرخه غنی سازی از صفر تا صد در اختیار دارد. فرض کنیم رژیم اسلامی به هر شکل و به احتمال با حمله نظامی آمریکا سقوط کند، پی آمد آن چه خواهد بود؟ چه نظام سیاسی جایگزین آن خواهد شد؟

می دانیم که در سقوط نظام گذشته، اپوزیسیون خارج و داخل کشور بر اصل تغییر رژیم توافق داشته و رهبری خمینی را پذیرفتند، نتیجه آنکه گروه سازمان یافته روحانیت یعنی روحانیتی که از پیش با برنامه وارد معرکه شده بود به قدرت رسید، سازمانهای دیگر از جمله جبهه ملی به دلیل عدم آمادگی و سازماندهی غافلگیر شده و شکست خورد.

حال پرسش این است که اگر فرض را بر سقوط جمهوری اسلامی - به هر شکل - بگذاریم، کدام سازمان تشکل یافته ای جانشین نظام کنونی خواهد شد؟!

بی تردید، در نبود یک اپوزیسیون متشکل ملی یکی از جناحهای قدرت در حاکمیت اسلامی که افزون از حمایت خارجی خود را برای وراثت جمهوری اسلامی آماده کرده است می کوشد تا قدرت را بدست آورد.

از این رو مخالفان نظام اسلامی به ویژه نیروهای ملی باید توجه داشته باشند که جز از راه ائتلاف بزرگ بر اصول مشترک قادر به از میان برداشتن رژیم و جایگزینی یک حکومت مردمسالار نخواهند بود.

هوشنگ کردستانی

دبیر تبلیغات هیئت اجرایی جبهه ملی

- خارج از کشور -

آزادی دین، زبان و بیان عقیده اصل جدایی ناپذیر پیشرفت و تجدد است